

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

نویسنده: جمعی از کارگران شرکت نیک کالا

۱۲ دسمبر ۲۰۱۲

گزارشی از وضعیت کارگران شرکت نیک کالا و

افشای سود های میلیادی سرمایه داران این شرکت

شرکت "نیک کالا" توسط سه برادر با نام های حاج علی، حاج عباس و حاج حسین سلیمانی حدود ۴۵ سال پیش با به اصطلاح سرمایه پدری شان که یک بازاری بوده است در شهر تهران تأسیس شد. در آن زمان اجاق های سیار (اجاق های نفتی مخصوص پخت و پز) را تولید می کرد. این شرکت در زمان شاه با نام تجاری «نیکلا» فعالیت می کرد که بعد از انقلاب نام خود را به "نیک کالا" تغییر داد. سالها از قبل رنج و استثمار کارگران، تولید ادامه پیدا کرد و گسترش یافت و سودهای میلیادی نصیب این سه برادر نمود.

در این راستا شرکت نیک کالا در سال ۱۳۷۰ توسعه بیشتری پیدا کرد و مکان آن به کرج انتقال یافت که موقعیت کنونی این شرکت در اتوبان کرج – قزوین، نرسیده به "بهشت سکنه" کمی پائین تر از شهرک صنعتی بهارستان می باشد. در حال حاضر ۳۸۰ نفر کارگر در شرکت نیک کالا مشغول به کارند و روزانه ۲۵۰۰ عدد بخاری گازی تولید می کنند. در این شرکت نیز مانند سایر مراکز کار در ایران قوانین برده داری حاکم است. ساعت کار از ۷.۴۵ صبح شروع می شود، وقتی که خط تولید استارت خورد کارگران باید بکوب تا ساعت ۱۳.۱۵ کار کنند، در این فاصله حتی مجال استفاده از سرویس بهداشتی و توالت رفتن برای کارگران وجود ندارد. در ساعت ۱۳.۱۵ آژیر شرکت به صدا در آمده و همه کارگران بلا استثناء باید آماده شوند در "نماز جماعت" شرکت کنند. این کار، اجباری است و در صورت شرکت نکردن در آن باید خود را به کمیته انضباطی معرفی کرد (داستان کمیته انضباطی را در ادامه شرح خواهیم داد). نماز و دعا و موعظه پای منبر توسط آخوند هم کاسه کارفرما (حاج آقا یاری) تا ساعت ۱۳.۴۵ طول می کشد. در این فاصله همه خسته اند و شکم ها گرسنه، نه تنها گوش کسی به این موعظه ها بدهکار نیست بلکه زیرلی باران لعن و نفرین نصیب آخوند و هر چه مفت خور و دروغگو است، می شود. سپس کارگران می توانند برای صرف نهار به رستوران مراجعه کنند. در طول هفته غذای کارگران از جمله عبارت است از کمی برنج و مقداری آب و رب گوجه فرنگی با یک تکه مرغ. طوری که برای پیدا کردن مرغ در داخل این نوع غذا باید خیلی تیزبین باشی. این امر باعث شده که کارگران همیشه با طنز می گویند این آشپزهای شرکت نیک کالا بهترین و دقیق ترین آشپزای دنیا هستند آخه شما حساب کنید ۱۵ کیلو مرغ را چه قدر قشنگ بین ۳۸۰ تا ۴۰۰ نفر تقسیم می کنند! بله این "چلو مرغ" ما در شرکت است. یک روز ماکارونی و بقیه روزها هم عدس پلو (همون ساچمه پلو)، رشته پلو و... این جور پلوه ها. البته رستوران دیگری نیز در کارخانه نیک کالا موجود است که حتی عبور از محوطه آن جزء گناهان نابخشودنی برای ما کارگران محسوب شده و

باید بدون معطلی پاسخگو باشی. این رستوران متعلق به سه برادر سرمایه دار کارخانه حاجی سلیمانی ها و فرزندان شیک پوش و سنگین وزن آنها می باشد. البته این رستوران يك مزیتی برای کارگران دارد و آن این است که بوی انواع کباب و غذاهائی که به خواب هم نمی شود آنها را دید می توان از آن استشمام کرد. آه... ای روزگار لعنتی!...

ساعت نهار ۱۴.۱۵ تمام می شود و مجدد کار بکوب شروع و تا ساعت ۱۷.۱۵ دقیقه ادامه دارد. این دیگر زمانی است که کارگران بعد از یک روز کاری سخت و پرمشقت می توانند کم کم برای رفتن به خانه های خود آماده شوند. در این شرکت علی رغم بندهای قانون کار کسی اجازه استفاده از حمام را ندارد. البته این به این معنی نیست که شرکت حمام ندارد، چند عدد دوش وجود دارد برای زمانی که خدای نکرده اگر مأموری از وزرات کار جهت بازدید به شرکت تشریف آورد و اگر بتواند از فیلترینگ حراست عبور کند، این سه برادر سرمایه دار صاحب شرکت چیزی برای گفتن داشته باشند. حتی اگر این هم نباشد خوب وزارت کار معلومه که از چه کسی دفاع می کند وزارت خود صاحبکاران و سرمایه داران است.

شورای اسلامی کارخانه هم وضع و تکلیفشان برای همه معلوم است، الان کمرنگ شده و به حاشیه رفته اند. با رواج قراردادهای موقت، صاحبان شرکت نیک کالا هم کلیه کارگران را مجبور کردند که قرارداد موقت امضاء کنند. کارگران رسمی را نیز به اجبار قراردادی کردند. بعد شخص منفوری را هم که بازنشسته نیروی انتظامی است با نام "محبوب" که به "تیمسار محبوب" مشهور است برای سرپرستی حراست شرکت آوردند و طبق معمول چماق به دست علیه کارگران. جناب تیمسار، تیمسار بود دیگه. حتی مأمور حراستی های قبل را قبول نداشت. همه آنها را با مأموران دلخواه و سرسپرده خودش که پرونده های سنگین تری هم علیه مردم دارند و همگی از نیروهای بازنشسته اداره آگاهی و یا نیروی انتظامی بودند تعویض کرد. در بین این چماق به دستان مثلاً می شود یکی از مجریان اعدام زندانیان در زندان قزلحصار را دید، انگار مردم کرج فراموش کردند چه کاره بوده؟ و یا فرد دیگر به نام "دشتدار" که از عوامل و شکنجه گران اداره آگاهی می باشد.

صاحبان شرکت نیک کالا به خوبی از حق طلبی و آگاهی و مبارزه جوئی کارگران آن مطلع هستند. همیشه از کارگران معترض هراس دارند. با پشتیبانی دولت و با اجرای طرح قراردادهای موقت، همه را از رسمی به قراردادی تبدیل کردند و همیشه در معرض اخراج. بعد هم که برای اطمینان خاطر از سرکوب بیشتر کارگران، حراست و چماق به دستان آن را با تیمسار و طنابکش و جلاد تقویت کردند. الان تیمسار محبوب مسئول حراست و کمیته انضباطی شرکت است و با توجه به فقر و بیکاری و اعتراضات هر روزه، ایشان هم حاضر است و آماده. کارگر معترض شرکت را احضار و به عنوان اغتشاشگر به اداره آگاهی معرفی می کند تا در آنجا پاسخ گو باشد. نمونه کارگری به نام "علی مرادی" که در قسمت لعاب کار می کرد. در اداره آگاهی کارگر را، هم اذیت و آزار می دهند و هم دست آخر می گویند "تو اصلاً چه کار به این کارا داری؟ سرتو بنداز پائین و یه لقمه نان حلال برای زن و بچه ات دربیار". انگار که لُیه لقمه های چرب و نرم خودشان خیلی حلال است، از خون و عرق ما می خورند و همان یک لقمه نان خشک ما را هم می دزدند! هر چند کارگران دیگر دست اینها برایشان رو شده و این جور اعمال علیه شان کارساز نیست.

با این همه مشکلاتی که کارگران در شرکت نیک کالا با آن روبه رو هستند، چند وقت پیش مدیر عامل شرکت (حاج علی سلیمانی) سر و کله نامبارکش در نماز جماعت پیدا شد و بعد از کمی مقدمه چینی و صحبت از این که گویا وضعیت اقتصادی کشور خراب است و ما نمی دانیم حقوق شما را از کجا بباوریم، کم مانده که بانك ها شرکت را بابت وام هائی که برای حقوق و دستمزد شما از آنها گرفته ایم توقیف کنند و غیره ... گفت که "با توجه به اینها و خصوصاً ناامنی منطقه و اوضاع مملکت، شما موظف هستید برای حراست از مملکت عزیزمان و حراست از شرکت، در بسیج

ثبت نام کنید. اوضاع بحرانی است هر کس از این امر سر پیچی کند جایش آنور دیوارهاست و ما به آن فرد نیازی نداریم".

پیرو این دستور از فردای آن روز دارو دسته تیمسار محبوب (رئیس حراست) وارد سالون تولید شدند و با تهدید و فشار شروع کردند به نام نویسی کارگران برای بسیج. عده ای از ترس اخراج و بیکار شدن، با بی میلی و دلسردی اسمشان نوشته شد. تعداد زیادی هم بودند که به هیچ عنوان اجازه ندادند نامشان در لیست بسیج نوشته شود و خیلی قاطع به این دستور کارفرما "نه" گفتند. یکی از آنها می گفت "من اگر قرار بود در بسیج باشم سی سال پیش می شدم و الان نونم تو روغن بود، حالا که همیشه هفتم گرو هشته و همیشه در فقر و نداری، بیام تن به این کارهای اجباری بدم؟ هرگز، هر کاری که می خواهید بکنید، بالاتر از سیاهی رنگی نیست!" يك هفته طول نکشید که تمامی این کارگران را به کمیته انضباطی و دفتر حاج آقا مدیرعامل شرکت احضار کردند و در آنجا با تهدید و فشار بیشتر به آنها برخورد شد. به آنها اخطار کتبی دادند و آن را در پرونده شان ثبت کردند. همچنین مدت زمان قرارداد این کارگران را هم به نصف تقلیل دادند.

البته این کارگران که تسلیم خواسته صاحب شرکت و حراست برای ثبت نام در بسیج نشده بودند همچنان از تصمیم و عمل خود دفاع می کنند و الان هم در میان دیگر کارگران، صاحب اعتبار و مقبولیت بیشتری شده اند. آن تعدادی از کارگران هم که مجبوراً تن به ثبت نام در بسیج دادند می باید طبق برنامه و شیفت حراست هر شب چند تن از آنان به نوبت در شرکت بمانند و آماده باشند. لازم به توضیح است که مدت ماندن آنها در شرکت نه اضافه کاری محسوب می شود و نه چیزی به آنها تعلق می گیرد، کاملاً بیگاری کردن و به قول بچه ها "فی سبیل الله" است.

بعد از این شرح حال، در اینجا با اجازه برادران سلیمانی سرمایه داران شرکت نیک کالا و جناب تیمسار حراستی آن، نگاهی هم داشته باشیم به مقدار تولید و سود خالصی که از رنج و کار و استثمار کارگران این شرکت نصیب این سه برادر می شود.

همانطور که در ابتداء اشاره کردیم در شرکت نیک کالا روزانه ۲۵۰۰ عدد بخاری گازی تولید، سپس بسته بندی و تحویل انبار داده می شود. جدای از قیمت مواد اولیه و هزینه تمام شده برای هر عدد بخاری، فقط توجه شما را به مقدار افزایش قیمتی جلب می کنیم که دولت اسلامی به طور کتبی مجوز آن را بعد از دور تازه تحریم ها علیه ایران، به صاحبان شرکت تقدیم نمود. این در حالی بود که تولید کل سال ۱۳۹۰ هنوز در انبار موجود بود و آماده ارسال به بازار. یعنی این که مواد اولیه، خریداری شده بود، هزینه ها برآورد شده و قیمت روی کارتن ها هم، با سود ۱۰٪ اعلام شده بود.

شرکت نیک کالا در سال ۱۳۹۰ به طور رسمی طبق جدول کار (تهیه شده در داخل شرکت) ۲۲۳ روز کارکرد داشت یعنی اگر این تعداد روز را ضرب در تعداد تولید روزانه کنیم مجموع تولید سالیانه به دست می آید، (2500X223) یعنی ۵۵۷۵۰۰ عدد بخاری.

دقیقاً زمانی که قرار بود محصولات تولید شده روانه بازار شود مراجع ذی ربط دولتی طی حکمی مجوز ۱۵٪ افزایش قیمت را به صاحبان شرکت اعطاء کردند. اما صاحبان طماع و سود پرست، فرصت را به خوبی دریافته بودند، اینان رسم و آئین سودپرستی و انباشت پول و ثروت را به خوبی می دانند، دین و ایمانشان پول بیشتر است. پس با دولت شان کلنجار رفتند و مانع ارسال محصولات کارخانه به بازار شدند. با این نوع مانورها و کلاه چرخانی و فشار، ۲۰ روز را سپری کردند و بعد از آن، برای دومین بار برگ مجوز طلایی ۱۵٪ افزایش قیمت دیگری را از دولت محبوب خود دریافت کردند. سرمایه داران شرکت این بار با کمی بخشش، از مقدار ماحصل تولید دست کارگران، ۵ کامیون به بازار ارسال کردند (هر کامیون با ظرفیت ۵۰ عدد بخاری گازی). اما برادران صاحب شرکت نیک کالا باز هم سود بیشتری

می خواستند، ولع لجن خوارشان سیری ناپذیر بود. پس فرصت را غنیمت شمرده و دوباره جلو ارسال محصول به بازار را گرفتند. بله! در مرحله سوم، این بار مجوز ۲۵ درصد افزایش قیمت را از سوی این "پاک ترین دولت دنیا"، دریافت کردند. یعنی در مدت کمتر از دو ماه، "حکومت عدل علی" مجوز ۵۵٪ افزایش قیمت فروش محصولات تولید شده شرکت نیک کالا را به حاج علی، حاج عباس و حاج حسین سلیمانی صاحبان این شرکت اعطاء نمود. محصولاتی که با خون و عرق کارگران محروم تولید شده، و سودهایی که به قیمت رنج و عذاب و ندادن حقوق و دستمزد کارگران و غارت آخرین لقمه نان سفره بی رونق فرزندانیشان به جیب کارفرمایان و سرمایه داران می رود. (همه یادمان هست که احمدی نژاد می گفت «دولت ما پاک ترین دولت دنیاست»)

حال با توجه به این که این مقدار تولید ابتداء قرار بود با سود ۱۰٪ روانه بازار شود يك شبه شد ۶۵٪، اگر قیمت هر بخاری تولید شده ۱۲۰۰۰۰ تومان بود با این حساب الان شد ۱۹۸۰۰۰ تومان.

اگر به طور متوسط قیمت هر عدد بخاری را ۱۹۰۰۰۰ تومان در نظر بگیریم (بخاری گازی نیک کالا کمتر از این در بازار پیدا نمی شود) سودی که در مدت ۲ ماه به جیب این سه حاجی مؤمن سرازیر شد برابر است با:

تومان ۶۹.۹۱۰.۵۰۰.۰۰۰ = ۶۶ درصد ضربدر ۵۵۷۵۰۰ ضربدر ۱۹۰۰۰۰

یعنی ۶۹ میلیارد و نهصد و ده ملیون و پنجصد هزار تومان

"واقعا چه نیک کالائی است این نیک کالا!"

بله! این است حال و روز سرمایه داران و کارفرمایان، و کارگران و تولید کنندگان. کدام یک صاحبان اصلی اند؟ کارگران شرکت نیک کالا به طنز می گویند این همه سود میلیاردی البته برای برادران سلیمانی سرمایه داران این شرکت، کم است به همین دلیل است که چند ماه یک بار در نماز جماعت اجباری شرکت سروکله شان پیدا می شود و به قول خودشان بابت وام هائی که برای پرداخت حقوق های معوقه از بانک های خودی می گیرند آه و ناله سر می دهند. همزمان حاج عباس سلیمانی همراه خانواده خود برای تفریح و سیاحت به امریکا مسافرت می کند و حاج حسین برای ساخت ضریح امام حسین ۴۰ کیلو طلا پیشکش می کند.

با این حال ما کارگران به خوبی حساب این سودپرستی صاحبان شرکت را می دانیم. به آسانی در مقابل شان تسلیم نمی شویم. آنها هم این را به خوبی می دانند. از اینروست که با فشار و تهدید می خواهند برویم و در بسیج ثبت نام کنیم. این را بهانه کرده اند که هر کس ثبت نام نکند از شرکت اخراجش کنند، به قول معروف از شرمان خلاص شوند. از شما خواهشمندیم شرح واقعیاتی را که برایتان نوشته ایم به عنوان گوشه کوچکی از ستم های رواداشته شده بر زندگی ما کارگران ایران، به اطلاع عموم برسانید.

جمعی از کارگران شرکت نیک کالا

آذرماه [قوس] ۱۳۹۱